

معناشناسی اقسام «خُطوات الشیطان» در قرآن کریم

دکتر علی محمد میرجلیلی^۱ - محمد عظیمی ده‌علی^۲

چکیده

این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی و براساس مطالعات کتابخانه‌ای مهیا شده، هدفش معناشناسی اقسام «خُطوات الشیطان» در قرآن کریم است. با توجه به آیات قرآن، خُطوات الشیطان اجمالاً می‌تواند همان گمراه شدن انسان توسط شیطان تعریف شود که در یک سیر تدریجی و دقیق اتفاق می‌افتد. در این نوشتار چند مدل از اقسام خُطوات الشیطان معرفی شده است که هر یک با اسلوبی منظم مورد بررسی معناشناسانه قرار گرفته، مصادیقی از آن‌ها در قرآن ذکر می‌شود. الگوها عبارت‌اند از: ۱. سیر شیطان به صورت مارپیچ حول صراط مستقیم، ۲. حرکات انحرافی - دورانی شیطان حول صراط مستقیم، ۳. حرکات انحرافی - انتقالی شیطان در خط یکنواخت، ۴. حرکت انحرافی - انتقالی شیطان، در خط منحنی، ۵. انحراف از صراط مستقیم در خط پنهان حرکت شیطان و برخی مصادیق عبارت‌اند از: گسترش تدریجی دامنه گناهان، حرکت آهسته و با زاویه انحراف اندک، بدعت‌گذاری و مصلحت‌اندیشی، جنون ناشی از تماس با شیطان، عدم دشمن‌شناسی، ایجاد ترس و ...

کلیدواژه‌ها: خطوات در قرآن و روایات، معناشناسی خطوات، اقسام خطوات الشیطان، اقدامات درونی شیطان، حرکات بیرونی شیطان.

۱. دانشیار دانشگاه آیه‌الله حائری میبد یزد.

۲. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه آیه‌الله حائری میبد یزد azimi0072@gmail.com

دریافت: ۱۳۹۵/۷/۱۰ - پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۱۶.

۱. مقدمه

دشمن‌شناسی لازمه به دست آوردن راهکارهای غلبه بر دشمن است؛ چرا که تا چیزی شناخته نشود در آن هیچ تغییر هدفمندی اعم از مثبت و منفی نمی‌توان ایجاد کرد. برای شناخت دشمن انسان باید از راهنمایی‌های خالق بشر بهره برد. خداوند در قرآن، شیطان را دشمن آشکار انسان معرفی می‌کند. ضرورت پرداختن به موضوع شیطان‌شناسی در زمانه ما از آنجا روشن‌تر می‌شود که برخی از انسان‌های کج‌اندیش هدف زندگی را تا پرستش شیطان با صراحت به عنوان شیطان‌پرستی سوق داده‌اند. برای شناخت شیطان می‌توان به شناخت شناسنامه‌ای و زندگی‌نامه‌ای او پرداخت. همین‌طور می‌توان از اغراض و عادات و خیالات و بینش و طرز فکر و دیگر فعالیت‌های او سردر آورد، اما آنچه این پژوهش در صدد ابهام‌زدایی و گسترش هر چه بیشتر آن می‌باشد، تنها بررسی گونه‌های فعالیت‌های شیطانی - که در تعبیر قرآن همان خطوات الشیطان هستند - است. دلیل اهتمام نوشتار حاضر به این موضوع آن است که ترسیم شفاف الگوهای اغواگری شیطان می‌تواند در یافتن اقدامات پیش‌گیرانه و همچنین راه‌های مقابله هم‌زمان با آن و در درجه بالاتر، الگوگیری و جایگزین نمودن الگوهای شیطان که خود شیطان آن‌ها را از صراط مستقیم اخذ نموده، البته این بار در مسیر هدایت، ما را یاری نماید. ضمن اینکه در این نوشتار، مصادیق قرآنی از خطوات الشیطان در هریک از الگوهای غوایت گمراه کردن، شیطان مشخص می‌شوند.

این مقاله با معناشناسی لغوی، قرآنی و البته حدیثی خطوات الشیطان، به ترسیم پنج مدل از اقسام خطوات الشیطان و شرح ویژگی‌های اساسی آن‌ها، در پرتو معناشناسی عمیق این ترکیب می‌پردازد.

در زمینه پیشینه موضوع، به دیدی کلی تاکنون تلاش‌های بسیاری صورت گرفته است، اما در خصوص ترسیم الگوهای عملکردی شیطان در مسیر غوایت همراه با ترسیم نمودارها و نام‌گذاری بر روی هریک تاکنون تلاش جدی‌ای صورت نگرفته و امید است که این نوشتار بتواند در گسترش مرزهای دانش در عرصه شیطان‌پژوهی تأثیرگذار بوده، زمینه‌ساز پژوهش‌های آینده در زمینه شناخت راهکارهای تقابل با شیطان باشد.

از کتاب‌های مرتبط با موضوع شیطان، می‌توان به کتاب‌های **چهره شیطان در قرآن**، به انضمام **شیطان و شیطان‌پرستان**، تألیف محمد ناصری، انتشارات دارالقرآن الکریم، قم، ۱۳۶۹ش اشاره کرد که ارتباطش با موضوع این نوشتار، بررسی دیدگاه قرآن در زمینه چهره شیطان است و این خود می‌تواند مقدمه‌ای مفصل برای منعقد شدن بحث این نوشتار به شمار آید.

کتاب دیگر عبارت است از: **ترفندهای سپاه صحابه شیطان**، نوشته خطیر یحیی زاده، انتشارات منیر، سال ۱۳۷۷ش. با توجه به اهمیتی که این کتاب برای موضوع راهکارهای شیطان در مسیر غوایت در نظر گرفته، می‌تواند بر جامعیت بحث این نوشتار در قسمت هدف پژوهش بیفزاید.

از مقالات، می‌توان به مقاله: **تهدیدهای شیطان**، نوشته یعقوب جعفری، مهر ۱۳۸۴ش، شماره ۷، درس‌هایی از مکتب اسلام، سال چهل و پنج و مقاله «**شیطان‌شناسی در قرآن**»، نوشته علی محمد قاسمی، بهمن ۱۳۸۱ش، شماره ۸۲، چاپ شده در مجله معرفت اشاره نمود و موارد بسیار دیگر که هریک به نوبه خود بر جامعیت ابعاد گوناگون گمراه‌گری شیطان در موضوع این نوشتار می‌افزایند.

۲- طرح مسئله

برخی از مهم‌ترین سؤالات این پژوهش عبارت‌اند از:

الف) مفهوم خطوات الشیطان در لغت، قرآن و حدیث چیست؟

ب) مدل‌های شکل‌گیری خطوات الشیطان چگونه است؟

ج) مصادیق هریک از الگوهای خطوات شیطان در قرآن کدام است؟

د) چگونه می‌توان با توجه به نمودارهای نحوه فعالیت شیطان، اقدامات پیشگیرانه و همچنین راه‌های مقابله هم‌زمان با آن و در درجه بالاتر الگوگیری و جایگزین نمودن الگوهای شیطان، در مسیره‌دایت را به کار گرفت؟

۳- مفهوم‌شناسی خطوات الشیطان

«خُطوه» به معنای اقتداء به آثار و رد پای شیطان و حرکت در پشت سراو (فراهدی)، ۱۴۰۹: ۲/۴۹۲)، پیروی از شیطان (راغب، ۱۴۱۲/۲۸۸)، اعمال شیطان و شهوات

(طریحی، ۱۳۷۵/۱:۱۲۵-۱۲۶) می‌باشد. همچنین برخی آن را از «خُطُوَات» که از «الْحَطِيئَةُ» گرفته شده می‌دانند. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۳۲/۱۴)، آنچه را که بین دو قدم است خطوه گویند و اصل واحد در این ماده قدم به قدم حرکت کردن است، نه راه رفتن به صورت مطلق و تجاوز و تعدی ملازم معنای آن است، خطوات الشیطان به معنای قطعه‌های سیر شیطان و جزئیات حرکت و سکون اوست. اولین قدم در پیروی از خطوات شیطان، دیدن نفس و توجه و بزرگ داشتن آن است، مسئله‌ای که مخالف عبودیت می‌باشد و انسان را به وادی ضلالت می‌کشاند. (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۳/۸۸-۸۹)، حرکت کردن در مسیرهای شیطان (ازدی، ۱۳۸۷: ۲/۴۱۰)، پیروی از وسوسه‌های شیطان، پا در جای پای او گذاشتن است که بدبختی دو دنیا را در پی دارد، نباید تسویل شیطان را جایگزین منطق انبیاء نمود (قرشی، ۱۴۱۲: ۲/۲۶۵).

از اینکه شیطان و پیروانش در یک مسیر به صورت گام به گام حرکت کنند و به دلیل تقلید دقیق پیروان، تنها رد پای شیطان در آن مسیر باقی بماند، دو اصل ۱. تدریج و ۲. دقت و تعبّد محض در تبعیت از شیطان برداشت می‌شود؛ چنان که فرهنگ ابجدی به درستی این دو مورد را در معنای خطوات لحاظ نموده و آن را به معنای «گام قاطع و گام آهسته» دانسته است (بستانی، ۱۳۷۵: ۳۶۸). به صورت صیغه جمع آمدن خطوات نیز می‌تواند گویای شمول آن در همه یا بیشتر عرصه‌های حیات منحرفان به شمار آید.

۴. بررسی اقسام چگونگی فعالیت شیطان

این نوشتار به ترسیم پنج الگواز روش‌های خطوات الشیطان که در قرآن بیان شده اند می‌پردازد.

۴-۱. سیر شیطان به صورت مارپیچ حول صراط مستقیم

خداوند در قرآن کریم، یکی از ترفندهای شیطانی علمای اهل کتاب را التباس حق و باطل برمی‌شمرد: «وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره، ۴۲) و حضرت علی علیه السلام در مورد شعار «لا حکم الا لله» خوارج فرمود: «کلمة حقّ یرادُ بها باطلٌ»؛ کلمه حقی است که از آن اراده باطل شده است (نهج البلاغه، خطبه ۴۰؛ ابن حیون، ۱۳۸۵: ۱/۳۹۳).

این سبک یعنی سبک تلبیس حق و باطل، از مهم‌ترین سبک‌های شیطان در مسیر گمراه کردن انسان‌هاست و لازمه آن حرکت پیچ و خمی شیطان حول صراط مستقیم و بدون همسو شدن با آن است.

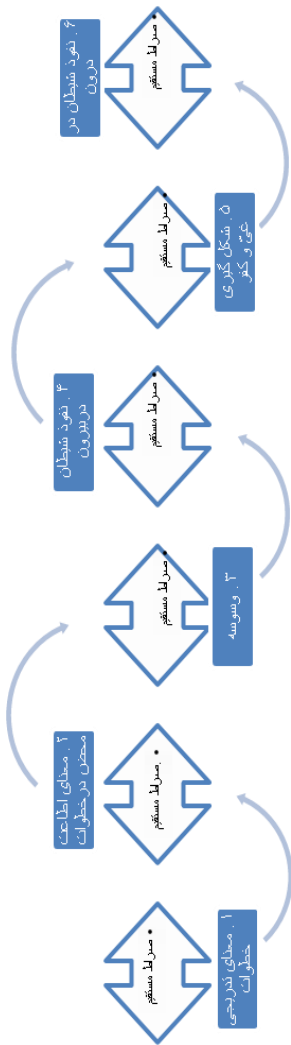
براساس نمودار شماره یک در این نوشتار، شیطان در سیر خود که به صورت مارپیچ حول صراط مستقیم است، در پنج مرتبه با صراط مستقیم رابطه برقرار می‌کند و از آن خوشه‌ای برای به کار گرفتن در مسیر ضلالت می‌چیند. در هر یک از عبورهای پنج‌گانه شیطان در این نمودار، یکی از گنج‌های صراط مستقیم، توسط شیطان سرقت می‌شود و در مسیر شومش، به کار گرفته می‌شود؛ مثلاً، در مرحله اول که در نمودار شماره یک ترسیم شده است، (۱). اصل تدریج، اصلی است که از صراط مستقیم گرفته شده است (این برداشت از معنای خطوات قابل برداشت است). در مورد دوم (۲). اصل تبعیت محض (که البته تنها در موردی که رهبر معصوم باشد، کاملاً برحق است)، توسط شیطان از صراط مستقیم اخذ شده (این برداشت از معنای خطوات قابل برداشت است). در مورد بعد (۳). اصل دعوت کردن که می‌تواند از ابزارهای اصلی برای هدایت افراد باشد، چیده شده (بنگرید به: نور، ۲۱). بعدی (۴). تأثیری که در مرور زمان توسط ظاهر در باطن گذاشته می‌شود^۱ و بعدی (۵) اطاعت محض در حد فناء که اوج تبعیت است، توسط شیطان از صراط مستقیم اخذ شده است.^۲ واضح است که هر یک از این موارد پنج‌گانه

۱. در آیه شریفه: «وَأَصْلَتْهُمْ وَآمَنَتْهُمْ وَآمَنَتْهُمْ فَلْيَبْتَئِكُنَّ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَآمَنَتْهُمْ فَلْيَغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا» (نساء / ۱۱۹)، فرایند کلی شکل‌گیری فریب شیطان به صورت ضلالت، آرزومداری و در نهایت امر به معصیت بیان شده است. در روایات منظور از تعبیر: «فَلْيَغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ»، تغییر دین الهی معرفی شده است: (عیاشی، ۱۳۸۰ / ۱: ۲۷۶).

۲. «وَ قَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرَانِ اللَّهُ وَعَدَّكُمْ وَعَدَّ الْحَقَّ وَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي» (إبراهیم / ۲۲): «و شیطان، هنگامی که کار تمام می‌شود، می‌گوید: خداوند به شما وعده حق داد و من به شما وعده - باطل - دادم و تخلف کردم! من بر شما تسلطی نداشتم، جز اینکه دعوتتان کردم و شما دعوت مرا پذیرفتید!...» و زمانی که بعد از تبعیت مختارانه از شیطان، قساوت قلب ایجاد شد و کوری و کوری و فاقد عقل بودن قلب او نهادینه گشت،

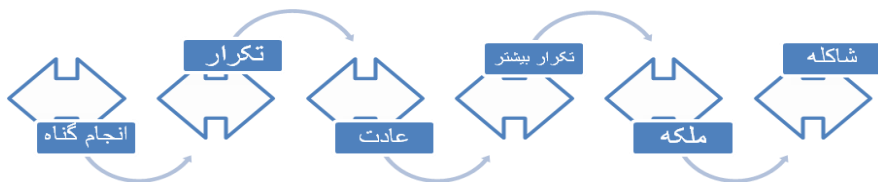
←

که توسط شیطان از صراط مستقیم دزدیده می‌شوند، اگر در مسیر حق باشند، کاملاً بر حق هستند. در این میان دو دسته از افراد با ظهور نبی اکرم ﷺ و در حیات ایشان، این سیر را آغاز نمودند، عده‌ای در مسیر صراط مستقیم گام نهادند و عده‌ای در مسیر پیچ و خمی شیطان و همه آن دو گروه مراحل شش‌گانه صراط مستقیم در این نمودار، را به گونه‌ای خاص خود پشت سر گذاشتند و در نهایت هر دو دسته به اوج قدرت در مسیر خود رسیدند، دسته‌ای از مؤمنین قدرتمندترین مؤمنان شدند و دسته‌ای از کفار بدترین کفار و منافقین.



شکل ۱: نمودار حرکت پیچ و خمی شیطان در سیر حرکت از بیرون به درون، به وسیله التباس حق و باطل

قساوت قلب رواج پیدا می‌کند و بازار زینت شده شیطان رونق بیشتری می‌گیرد: «فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (انعام / ۴۳): «چرا هنگامی که مجازات ما به آنان رسید، - خضوع نکردند و- تسلیم نشدند؟! بلکه دل‌های آن‌ها قساوت پیدا کرد و شیطان هر کاری را که می‌کردند، در نظرشان زینت داد!» این حرکت جوهری نفس در مسیر گمراهی، ناشی از پیروی از خطوات الشیطان است.



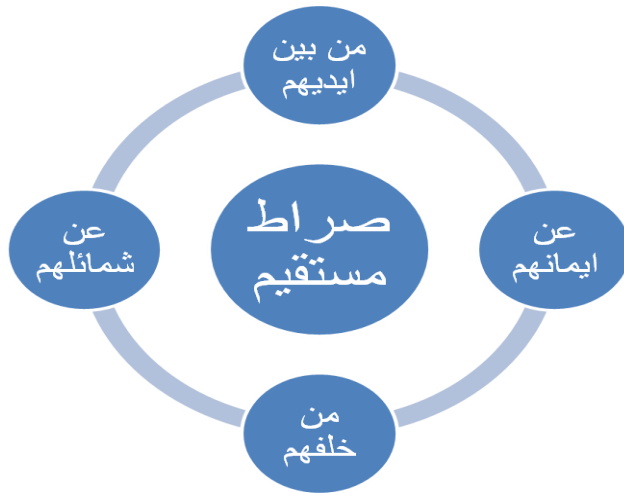
شکل ۲: نمودار حرکت جوهری نفس در اثرپذیری از خطوات الشیطان

یکی از موارد حرکت پیچ و خمی شیطان، موضوع خطوات الشیطان به صورت ایجاد ترس می باشد، که شیطان با چنگ زدن نادرست به مسائل حقی از قبیل آینده نگری، افراد را گمراه می گرداند. در آیه شریفه: «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (البقرة، ۲۶۸)، گسترش دامنه گناه بخل با وعده فقر مطرح شده است. ترس از فقیر شدن وسیله ای برای ترک انفاق و گرایش به گناهان می گردد، این ترس به دلیل ناامیدی از فضل خداوند است.

۲-۴. حرکات انحرافی - دورانی شیطان حول صراط مستقیم

این حرکت شیطانی، شامل حرکت شیطان حول صراط مستقیم در اعمالی که محتاج استقامت هستند، می باشد. در این حرکت، شیطان در کمین است و اوضاع انسان را با یک حرکت دورانی رصد می کند، تا در لحظه ای که شرایط مساعد است، تأثیر خود را بر فرد بگذارد.

به حرکت دورانی انحراف از صراط مستقیم در این آیه شریفه اشاره شده است: «ثُمَّ لَا يَسْتَنبَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ» (اعراف / ۱۷)؛ «سپس از پیش رو و از پشت سرو از طرف راست و از طرف چپ آن ها، به سراغشان می روم و بیشتر آن ها را شکرگزار نخواهی یافت!».



نمودار شماره ۳ (حرکات انحرافی - دورانی شیطان حول صراط مستقیم)

یکی از مواردی که در زمینه حرکت انحرافی - دورانی شیطان یاد کردنی است، بحث عدم دشمن شناسی می باشد. در دو آیه: ﴿أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ* وَأَنْ اْعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾ (یس / ۶۰-۶۱) و آیات دیگر به دشمنی شیطان نسبت به انسان صراحت شده است و در آیه شریفه ﴿فَازَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ﴾ (بقره / ۳۶)^۱، عدم دشمن شناسی از عوامل گمراهی بشر توسط شیطان معرفی شده است.

در الگوی انحرافی - دورانی، شناخت شخصیت دشمن برجسته است؛ چرا که گردش شیطان بیش از همه حول شخصیت انسان رخ می دهد و لذا بیش از همه شناخت شخصیت دشمن می تواند راه های نفوذ شخصیت او به شخصیت ما را آشکار سازد. برخی از حربه های شیطان در قرآن در الگوی حرکات انحرافی - دورانی شیطان

۱. پس شیطان موجب لغزش آن ها از بهشت شد و آنان را از آنچه در آن بودند، بیرون کرد و - در این هنگام - به آن ها گفتیم: همگی - به زمین - فرود آید! در حالی که بعضی دشمن دیگری خواهید بود و برای شما در زمین، تا مدت معینی قرارگاه و وسیله بهره برداری خواهد بود.

حول صراط مستقیم، در ماجرای فریب خوردن حضرت آدم و حواء از شیطان مطرح است که عناصر آن عبارت‌اند از:

وسوسه: (طه / ۱۱۵ و ۱۲۰ و ۱۲۱)، سوء استفاده از سوگند یاد کردن و اعتقادی که حضرت آدم علیه السلام به سوگند داشت: (اعراف / ۲۰-۲۲)، سوء استفاده از گرایش به ابدیت و زندگی جاوید در انسان به عنوان زمینه نفوذ شیطان در حضرت آدم علیه السلام: (اعراف / ۲۰)، سوء استفاده از گرایش به حکومت ابدی در انسان: (طه / ۱۲۰ و ۱۲۱)، سوء استفاده از گرایش به فرشته شدن در انسان (اعراف / ۲۰).

بدین سان باید گفت: حضرت آدم علیه السلام نسبت به دشمنی شیطان آگاهی داشت (اعراف / ۲۲)، اما چون ابعاد شخصیتی شیطان را نمی‌شناخت، نتوانست در برابر اغواگری او بایستد. بنابراین، نه تنها باید دشمن را به عنوان دشمن شناخت، بلکه باید از جهان بینی و شخصیت، الگوهای رفتاری و راهکارهای گمراه‌گری آن اطلاع کامل داشت.

مورد دیگر از حرکت دورانی شیطان، عبارت است از: خطوات الشیطان به صورت هم نشینی و همراهی او با انسان: ﴿وَالَّذِينَ يُتَفَقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا﴾ (نساء / ۳۸). همچنین خطوات الشیطان به صورت نسیان: ﴿قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ الْحُوتَ وَ مَا أَنَسَانِيهِ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ وَ اتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا﴾ (کهف / ۶۳).

۳-۴. حرکت انحرافی - انتقالی شیطان در خط یکنواخت

در این حرکت، فرد مشکل اعتقادی دارد و به همین سبب همراه با تعصب بر اعتقاد خود، ناگهان و بدون انعطاف، با یک انحراف در زاویه‌ای از خط مستقیم، جدا می‌گردد. امید نجات یافتن چنین فردی بسیار سخت، اما امکان‌پذیر است. نمودار زیر، گویای انحراف از صراط مستقیم در خط یکنواخت است.



برای انحراف در خط یکنواخت از صراط مستقیم می‌توان به این آیه شریفه اشاره

نمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (بقره / ۲۰۸)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همگی در صلح و آشتی درآیید! و از گام‌های شیطان پیروی نکنید، که او دشمن آشکار شماست».

بر اساس این آیه شریفه اختلاف عقیده، باعث جدا شدن انسان از جمعیت حقیقی مسلمانان می‌گردد. در این نوع از انحراف، که بعد از حرکت دَوْرانی شیطان به وجود می‌آید، فرد به دلیل تغییر عقیده، زاویه خود را از صراط مستقیم تغییر می‌دهد، لذا بدون هیچ‌گونه انعطاف، بلکه در جمود کامل، از صراط مستقیم جدا می‌گردد. این نوع انحراف بسیار قدرتمند است.

خطوات الشیطان همان آهسته آهسته از مسیر حق خارج شدن به وسیله بدعت‌گذاری‌ها و مصلحت‌اندیشی‌های ناشی از هواهای نفسانی در جهت کنار گذاشتن احکام و فرامین الهی و ایجاد اختلاف است که همه جامعه باید از آن برحذر باشند. «کافه در آیه فوق الذکر به معنای جمیع و همگی است... یعنی ای اهل ایمان همگی به تسلیم درآیید.» (قرشی، ۱۴۱۲: ۶/۱۳۱) و بر اساس روایات، منظور از تعبیر «ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً» پذیرش امام حق و منظور از تعبیر اتباع از خطوات شیطان در جمله «وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ»، پیروی نکردن از امام معصوم بیان شده است. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵/۱: ۲۰۵-۲۰۶).

اینکه همه مؤمنان تسلیم شوند، می‌تواند به این معنا باشد که مؤمنان موظف‌اند که در ایمان اختلاف ننمایند و همگی بفرامین رسول خدا ﷺ تسلیم باشند، لذا پیروی از خطوات الشیطان در این آیه شریفه به معنای پرداختن به ایجاد تفرقه در ایمان، در میان مؤمنان می‌باشد. این حرکت از شیطان را می‌توان از نوع انحرافی - انتقالی در خط مستقیم تلقی نمود.

یکی از موارد انحراف شیطان در حرکت انحرافی - انتقالی، جنون ناشی از تماس با شیطان است. در این مرحله، اعتقاد نادرست، عامل گمراهی فرد است. در این زمینه می‌توان به این آیه شریفه اشاره نمود: «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ»

هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿﴾ (بقره / ۲۷۵).^۱ اینکه فرد بر اثر تماس شیطان با او دچار نوعی جنون شده باشد، یکی از ویژگی‌های خطوات الشیطان است. در این جمله شخص رباخوار، به آدم مصروع یا دیوانه بیمار گونه‌ای تشبیه شده که به هنگام راه رفتن قادر نیست تعادل خود را حفظ کند و درست گام بردارد.^۲

مشرکان رسول خدا ﷺ را مجنون می‌شمردند: ﴿كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ﴾ (ذاریات، ۵۲)^۳ و این خود یکی از مصادیق اختلال حواس و جنونی است که خطوات الشیطان در قلب مشرکان ایجاد نموده است. افرادی که در زمینه دین دچار اختلال حواس شده‌اند، عاقل‌ترین افراد را مجنون و دیوانه و جن‌زده

۱. «کسانی که ربا می‌خورند، - در قیامت - بر نمی‌خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده - و نمی‌تواند تعادل خود را حفظ کند، گاهی زمین می‌خورد، گاهی به پا می‌خیزد - این، به خاطر آن است که گفتند: داد و ستد هم مانند ریاست - و تفاوتی میان آن دو نیست - در حالی که خداوند بیع را حلال فرموده و ربا را حرام! - زیرا فرق میان این دو، بسیار است - و اگر کسی اندرز الهی به او رسد، و - از رباخواری - خودداری کند، سودهایی که در سابق [قبل از نزول حکم تحریم] به دست آورده، مال اوست، - و این حکم، گذشته را شامل نمی‌گردد - و کار او به خداوند واگذار می‌شود - و گذشته او را خواهد بخشید. - اما کسانی که بازگردند - و بار دیگر مرتکب این گناه شوند - اهل آتش‌اند و همیشه در آن می‌مانند».

۲. تفسیر نمونه در این زمینه توضیح مطلوبی دارد: «منظور تجسم حال آن‌ها در زندگی این دنیا است؛ زیرا عمل آن‌ها همچون دیوانگان است، آن‌ها فاقد تفکر صحیح اجتماعی هستند و حتی نمی‌توانند منافع خود را در نظر بگیرند و مسائلی مانند تعاون، همدردی، عواطف انسانی، نوع دوستی برای آن‌ها، مفهومی ندارد و پرستش ثروت آن چنان چشم عقل آن‌ها را کور کرده که نمی‌فهمند استثمار طبقات زیر دست و غارت کردن دسترنج آنان بذر دشمنی را در دل‌های آن‌ها می‌باشد، و به انقلاب‌ها و انفجارهای اجتماعی که اساس مالکیت را به خطر می‌افکند منتهی می‌شود و در این صورت امنیت و آرامش در چنین اجتماعی وجود نخواهد داشت، بنابراین او هم نمی‌تواند راحت زندگی کند، پس مشی او مشی دیوانگان است.» (مکارم، ۱۳۷۴: ۲ / ۳۶۶).

۳. «این گونه است که هیچ پیامبری قبل از این‌ها به سوی قومی فرستاده نشد مگر اینکه گفتند: او ساحر یا دیوانه است».

می‌شمرند و این خود یک حرکت گام به گام برای از دایره خارج کردن همه خوبی‌ها توسط شیطان است. افرادی که درگیر وسوسه‌های شیطان هستند، در طی خُطوات الشیطان، اولیاء الله را افرادی دیوانه می‌دانند و از آن‌ها دوری می‌کنند.

مورد دیگر از حرکت انحرافی - انتقالی شیطان در خط یکنواخت عبارت است از: غرور و تکبر بیجا: «يَعِدُّهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ وَمَا يَعِدُّهُمْ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا» (نساء / ۱۲۰): «غرور هر چیزی است از مال و جاه و شهوت و شیطان، که انسان را فریب دهد و مغرور سازد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۰۴).

۴-۴. حرکت انحرافی - انتقالی شیطان، در خط منحنی

در این حالت فرد از جهت اعتقادی مشکل ندارد، اما از ضعف اراده رنج می‌برد، لذا انحراف او از صراط مستقیم همراه با انحناء و انعطاف انجام می‌گردد و به دلیل عدم وجود تعصب، بیشتر از نوع پیشین، امید نجات برای او وجود دارد.

نمودار ۴: انحراف از صراط مستقیم در خط منحنی

انحراف از صراط مستقیم در خط منحنی ناشی از ضعف اراده

انحراف از صراط مستقیم در خط منحنی را نیز می‌توان ادامه سیر حرکت دورانی شیطان شمرد. که در آن بحث عقیده چندان جایگاهی ندارد و ضعف اراده عامل گمراهی است. در این زمینه می‌توان به این آیه شریفه اشاره کرد:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطْوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطْوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ (نور / ۲۱).^۱

بر اساس این آیه شریفه، شیطان همواره انسان را رصد می‌کند، تا در شرایط مساعد با

۱. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از گام‌های شیطان پیروی نکنید! هر کس پیرو شیطان شود - گمراهش می‌سازد، زیرا - او به فحشاء و منکر فرمان می‌دهد! و اگر فضل و رحمت الهی بر شما نبود، هرگز احدی از شما پاک نمی‌شد، ولی خداوند هر که را بخواهد تزکیه می‌کند و خداوند شنوا و داناست.»

یافتن نقاط ضعف، او را به فحشاء و منکر دعوت نماید.

یک دانه گندم را می‌کاریم و ده‌ها دانه حاصل می‌گردد و گاهی از دل یک دانه گناه که کاشته باشیم ده‌ها گناه بدون اراده ما بیرون می‌زند. داستان اشاعه فحشاء در جریان افک در قرآن (نور/ ۱۹)، بی‌شبهت به این ماجرا نیست. گاه بدون اینکه بدانیم گناه را در لباس الگودرمی آوریم و گاه کار ما سلسله‌وار توسط دیگران ادامه می‌یابد و... اهمیت این موضوع در زمانه ما به دلیل گستردگی ابزار اطلاع‌رسانی، بسیار بیشتر مد نظر است. این نوع از انحراف را به شکل آشکار، می‌توان در نوع حرکت انحرافی - انتقالی شیطان در خط منحنی لحاظ نمود، که دامنه انحراف آن از خط مستقیم، اندک‌اندک افزایش می‌یابد.

مورد دیگر از حرکت انحرافی - انتقالی، در خط منحنی شیطان، عبارت است از: خطوات به صورت تبذیر و کفران نعمت‌ها: ﴿إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا﴾ (اسراء / ۲۷)؛ «تبذیرکنندگان، برادران شیاطین‌اند و شیطان در برابر پروردگارش، بسیار ناسپاس بود!»

۴-۵. انحراف از صراط مستقیم در خط پنهان حرکت شیطان

در این سیر انحرافی، فرد به صورت ناخودآگاه و غیر مستقیم و پنهان، از صراط مستقیم دور می‌گردد.^۱ انحراف از صراط مستقیم در خط پنهان در آیه شریفه ذیل مطرح شده است: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾ (بقره / ۱۶۸).^۲ البته همه مسیرهای انحرافی جنبه پنهانی دارند، اما منظور از تأثیر پنهانی، تأثیر ناخودآگاه و غیر مستقیم مال حرام در اعتقاد و عمل است.

۱. در مورد این شگرد شیطان می‌توان اصطلاح قورباغه پزرا به کار برد. براساس تحقیق دانشمندان، اگر قورباغه در ظرف آب گذاشته شود و آب کم‌کم گرم شود، قورباغه دمای بدنش را با گرمی آب تنظیم می‌کند و وقتی به خود می‌آید که گرمای آب او را بی‌حس کرده و توان بیرون آمدن از ظرف را ندارد.
۲. «ای مردم! از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید! و از گام‌های شیطان پیروی نکنید! چه اینکه او، دشمن آشکار شماست.»

براساس این آیه شریفه، رزق حرام به صورت پنهان، انسان را از مسیر حق خارج ساخته، اراده فرد را سست می‌نماید تا آنجا که فرد رفته‌رفته خود را فراموش می‌کند و در نهایت، حتی در مقابل انبیاء و اوصیاء می‌ایستد. امام حسین علیه السلام نیز علت جنگ سپاه عمر بن سعد با ایشان را مصرف مال حرام دانست که این مصرف سبب طبع قلب و عدم درک صحیح آنان شد: «فَقَدْ مَلِئْتُ بُطُونَكُمْ مِنَ الْحَرَامِ وَ طَبِعَ عَلَي قُلُوبِكُمْ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۴۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۸/۴۵).

شیطان آرام و با زاویه انحراف کم، راه شقاوت می‌پیماید، آن قدر آرام که نمی‌توان مسیر انحرافی با زاویه کم او از مسیر حق را به سادگی دریافت نمود. این نوع از حرکت، نوعی غفلت را در پی دارد. زمانی که سخن از گام به گام بودن ضلالت مطرح است، تمرکز بر ریز رفتارها و شاخص‌های ضلالت کاهش می‌یابد. یکی از گام‌های شیطان پرداختن به اموری است که مستقیماً به ضلالت کار ندارد، اما مقدمه شکل‌گیری ضلالت هستند؛ مانند خوردن مال حرام که به صورت تدریجی نور قلب را از بین می‌برد و باعث می‌شود قلب نتواند از آموزه‌های وحیانی بهره‌برد و در نتیجه، نتواند شاخص‌های ضلالت را بازشناسد، چنان که خداوند متعال در آیه یاد شده به این نکته اشاره کرد.

حرکت شیطان دارای ظاهری برحق، یعنی همگرا با اصل تدریج می‌باشد. مشخص است که نحوه حرکت انبیاء در جاده تکامل بشر به صورت تدریجی است، نمونه بارز آن را می‌توان در نزول تدریجی قرآن مشاهده نمود، همین شیوه تدریجی بودن را شیطان در مسیر باطل به کار می‌گیرد و این شباهت با حق و التباس حق و باطل از جانب شیطان، عامل بالاگرفتن میزان و بازده اغواگری او در میان انسان‌ها شده است؛ چرا که او شیوه حقی را برای یک مسیر نادرست به کار گرفته است، یعنی مهندسی‌ای حساب شده و علمی برای نیل به یک هدف نادرست، همان که امروزه بشر مادی‌گرا در بسیاری از موارد به نام تکیه محض بر علوم قابل مشاهده و تجربه و جدای از معنویت، درگیر آن است.

۵- نتایج و یافته‌های تحقیق

شیطان در سیر خود که به صورت مارپیچ حول صراط مستقیم است، در پنج مرتبه با صراط مستقیم رابطه برقرار می‌کند و از آن خوشه‌ای برای به کارگرفتن در مسیر ضلالت

می‌چینند. در هر یک از عبورهای پنج‌گانه شیطان از صراط مستقیم، یکی از گنج‌های صراط مستقیم، توسط شیطان سرقت می‌شود و در مسیر شومش، به استخدام گرفته می‌شود.

۱- در سیر پیچ و خمی خطوات الشیطان باید مراقب چند نکته باشیم: ۱. جنبه اغواگری تدریجی شیطان ۲. جنبه التباس حق و باطل در اغواگری شیطان ۳. حرکت جوهری نفس از پیروی از خطوات الشیطان تا مرحله غی و نهادینه شدن گناه و تأثیراتی که در این سیر جوهری در انسان به وجود می‌آید و... که به موازات حرکت مارپیچ شیطان که در بیرون از انسان صورت می‌گیرد، این سیر جوهری در درون انسان در حال شکل‌گیری است.

یکی از موارد حرکت پیچ و خمی شیطان، خطوه او به صورت ایجاد ترس می‌باشد، که شیطان با چنگ زدن نادرست به مسائل حقی از قبیل آینده‌نگری، افراد را گمراه می‌گرداند.

حرکت دوم از حرکات شیطان عبارت است از: حرکت انحرافی - دورانی شیطان. این حرکت شیطانی، شامل حرکت شیطان حول صراط مستقیم در اعمالی که محتاج استقامت هستند، می‌باشد، در این حرکت، شیطان در کمین است و اوضاع انسان را با یک حرکت دورانی رصد می‌کند تا در لحظه‌ای که شرایط مساعد است، تأثیر خود را در فرد بگذارد.

یکی از مواردی که در زمینه حرکت انحرافی - دورانی شیطان گفتنی است، بحث عدم دشمن‌شناسی می‌باشد.

مورد دیگر از حرکت دورانی شیطان، عبارت است از: خطوات الشیطان به صورت هم‌نشینی و همچنین خطوات الشیطان به صورت نسیان.

مورد سوم از خطوات شیطان عبارت است از: - حرکات انحرافی - انتقالی شیطان در خط مستقیم. در این حرکت فرد مشکل اعتقادی دارد و به همین سبب، همراه با تعصب بر اعتقاد خود به صورت ناگهانی و بدون انعطاف با یک انحراف در زاویه‌ای از خط مستقیم جدا می‌گردد؛ امید نجات یافتن فردی بسیار سخت، اما امکان‌پذیر است.

مؤمنان موظف اند که در ایمان اختلاف ننمایند و همگی در برابر دستورات رسول خدا ﷺ تسلیم باشند، لذا یکی از معانی پیروی از خطوات الشیطان، پرداختن به ایجاد تفرقه در ایمان، در میان مؤمنان می باشد. این حرکت از شیطان را می توان از نوع انحرافی - انتقالی در خط مستقیم تلقی کرد.

یکی از موارد انحراف شیطان در حرکت انحرافی - انتقالی شیطان در خط مستقیم، خطوات الشیطان به صورت جنون ناشی از تماس با شیطان است. در این مرحله اعتقاد خطا عامل ضلالت فرد است. مورد دیگر از حرکت انحرافی - انتقالی شیطان در خط مستقیم، غرور و تکبر بیجاست.

مورد چهارم از خطوات الشیطان عبارت است از: حرکت انحرافی - انتقالی شیطان در خط منحنی؛ در این حالت فرد از جهت اعتقادی مشکل ندارد، اما از ضعف اراده رنج می برد، لذا انحراف او از صراط مستقیم همراه با انحناء و انعطاف انجام می گردد و به دلیل عدم وجود تعصب، بیشتر از نوع انحراف در خط مستقیم، امید نجات برای او وجود دارد. یک مورد از آن عبارت است از: خطوات به صورت تذبذب و کفران نعمت ها.

مورد پنجم از خطوات الشیطان عبارت است از: انحراف از صراط مستقیم در خط پنهان حرکت شیطان. در این سیر انحرافی، فرد به صورت ناخود آگاه و غیر مستقیم و پنهان، از صراط مستقیم دور می گردد؛ نظیر خوردن مال حرام که سبب دوری غیر مستقیم انسان از صراط مستقیم می شود.

شیطان برای گمراه نمودن هر کسی با توجه به شرایطی که آن فرد دارد، از یکی از شیوه های پنج گانه بهره می برد.

شیطان خود در ماجرای سجده نکردن بر حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام، به وسیله حرکت انحرافی - انتقالی از نوع خط مستقیم گمراه شد. او که مغرور بود، از جهت اعتقادی به تسلیم محض بودن در برابر خداوند اعتقادی نداشت؛ یعنی توحید در ربوبیت تشریحی را نپذیرفته بود و تعصب او بر برتری خود و نژاد پرستی اش، عامل گمراه شدنش گشت. بر همین اساس، شیطان دوست می دارد انسان ها را نیز بیش از همه از این طریق، که خود با آن گمراه گشته، به ضلالت بکشاند. بدین سان این نوع از حرکت شیطان، از دیگر حرکت ها و اقسام خطوات او، خطرناک تر و گسترده تر می باشد.

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، دار القرآن الکریم، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۳ش.
۲. ابن حیون، نعمان بن محمد، دعائم الإسلام، تصحیح و تحقیق آصف فیضی، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۵ق.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول علیهم السلام، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تصحیح و تحقیق جمال الدین میردامادی، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع- دار صادر، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۵. ازدی، عبدالله بن محمد، کتاب الماء، تصحیح و تحقیق محمد مهدی، اصفهانی، مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل- دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ۱۳۸۷ش.
۶. بستانی، فؤاد افرام، فرهنگ ابجدی، ترجمه رضا مهیار، انتشارات اسلامی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۵ش / ۱۳۹۵ق.
۷. ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال، الغارات، تصحیح و تحقیق جلال الدین، محدث، انجمن آثار ملی، تهران.
۸. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تصحیح و تحقیق مؤسسه آل البيت علیهم السلام، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ق.
۹. حسن بن علی، امام یازدهم علیه السلام، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري علیه السلام، تحقیق و تصحیح مدرسه امام مهدی علیه السلام، مدرسه الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، ۱۴۰۹ق.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، تصحیح و تحقیق داوودی و صفوان عدنان، دار القلم - الدار الشامیه، بیروت- دمشق، ۱۴۱۲ق.
۱۱. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه و شرح علی نقی فیض الاسلام اصفهانی، تصحیح و تحقیق مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الإسلام، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۹ش.
۱۲. طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، تحقیق و تصحیح حسینی اشکوری، نشر مرتضوی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵ش.
۱۳. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، تصحیح و تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، اسماعیلیان، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.
۱۴. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تصحیح و تحقیق رسولی محلاتی، المطبعة العلمیه، تهران، ۱۳۸۰ق.
۱۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، نشر هجرت، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
۱۶. قرشی بنابی، علی اکبر، قاموس قرآن، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ ششم، ۱۴۱۲ق.

۱۷. قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبة الله، *فقه القرآن*، تصحیح و تحقیق الحسینی، احمد الحسنی / مرعشی، محمود، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۵ ق.
۱۸. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، دارالکتاب، قم، چاپ سوم، ۱۳۶۷ ش / ۱۴۰۴ ق.
۱۹. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *بحار الأنوار*، دار إحياء التراث العربی - بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۲۰. منسوب به جعفر بن محمد، امام ششم علیه السلام، *مصباح الشریعه*، اعلمی، بیروت، ۱۴۰۰ ق.
۲۱. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ ش.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، دارالکتب الإسلامیه - تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.